



Was Frēdōn, the Possessor of Three Powers, a Warrior, a Physician, or a Prophet? (Based on the Three Texts: Sūdgar Nask, Waršt-Mānsar Nask and the Manichaean Text “dr”)

Poorchista Goshtasbi Ardakany¹ , Zohreh Zarshenas² , Farzaneh Goshtasb³

1. Corresponding Author, PhD Candidate of Ancient Iranian Languages, Faculty of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. E-mail: p.goshtasbi@ihcs.ac.ir

2. Professor of Ancient Iranian Languages, Faculty of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. E-mail: zarshenas@ihcs.ac.ir

3. Professor of Ancient Iranian Languages, Faculty of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. E-mail: f.goshtasb@ihcs.ac.ir

Article Info

Article Type:
Research Article

Article History:
Received:
10, February, 2025

In Revised Form:
11, January, 2025

Accepted:
8, November, 2025

Published Onlin:
4, February , 2026

Keywords: Sūdgar Nask,
Waršt-Mānsar Nask,
Manichaean texts ,
Frēdōn,
Shahnameh,
Myth.

Abstract

Frēdōn is one of the most famous mythical heroes of Iran who defeated Zahhak and imprisoned him on Mount Damavand. In this study, the myths about Frēdōn that appear in the Sūdgar Nask and Waršt-Mānsar Nask, along with the Manichaean text “dr”, in which Frēdōn’s name is mentioned as the destroyer of fever and disease, are compared with the Avesta and Zand to determine whether the myth of Frēdōn in these texts is authentic or not. According to the investigations, it was found that the myth of “beating and imprisoning Zahhak by Frēdōn” is an original myth that is also found in Avesta and is also mentioned in the Shahnameh, Garshaspnameh, and Kushnameh with similarities to the Sūdgar Nask. The myth of “Frēdōn’s use of enchantment and magic to overcome the Māzandar Daēvas” is not original and was created by the guest verses in this chapter, and it has not been mentioned in the Shahnameh and Kushnameh. The myth of “Frēdōn’s healing and his struggle with fever and illness” that appears in the Manichaean text “dr” is an original myth and appears in the Avesta. The myth of “Ohrmazd’s offering the mission of religion to Frēdōn and Frēdōn’s disobedience to Ohrmazd” that is mentioned in the Waršt-Mānsar Nask is a created myth and is made by the guest verses mentioned in this chapter.

Cite this The Author (s): Goshtasbi Ardakany, P, Zarshenas, Z., Goshtasb, F; (2026), Was Frēdōn, the Possessor of Three Powers, a Warrior, a Physician, or a Prophet? (Based on the Three Texts: Sūdgar Nask, Waršt-Mānsar Nask and the Manichaean Text “dr”). Iranian Studies Vol. 15, No. 4, winter,:(129-150). DOI: [10.22059/jis.2025.389555.1336](https://doi.org/10.22059/jis.2025.389555.1336)



Publisher: University of Tehran

https://jis.ut.ac.ir/article_102360.html



فریدون، دارنده سه نیرو، پهلوان بود یا پزشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورشت مانسر

نسک و متن مانوی dr)

پورچیستا گشتاسبی اردکانی^۱، زهره زرشناس^۲، فرزانه گشتاسب^۳

p.goshtasbi@ihcs.ac.ir

zarshenas@ihcs.ac.ir

f.goshtasbi@ihcs.ac.ir

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، رایانامه:

۲. استاد زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگاه زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، رایانامه:

۳. استاد زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگاه زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، رایانامه:

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۱/۲۲

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۸/۱۷

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۱/۱۵

فریدون از نام‌آورترین پهلوانان اسطوره‌ای ایران است که بر ضحاک چیره شد و او را در کوه دماوند به بند کشید. در این پژوهش اسطوره‌هایی که در سودگرنسک و ورشت‌مانسرنسک درباره فریدون آمده است به همراه متن مانوی dr که در آن نام فریدون به عنوان از بین برنده تب و بیماری ذکر شده است، با اوستا و زند تطبیق داده می‌شود تا اصیل بودن یا غیر اصیل بودن اسطوره فریدون در این متون مشخص گردد. طبق یافته‌های پژوهش، اسطوره «زدن و به بند کشیدن ضحاک» در سودگرنسک اسطوره‌ای اصیل است و در اوستا آمده است و در شاهنامه، گرشاسب‌نامه و کوش-نامه نیز با شباهت به سودگرنسک ذکر شده است. اسطوره «استفاده فریدون از افسون و جادو برای غلبه بر دیوهای مازندران» اصیل نیست و خلق شده توسط بندهای مهمان‌شده در این فرگرد است و در شاهنامه و کوش‌نامه نیز به آن اشاره نشده است. اسطوره «درمانگری فریدون و مبارزه او با تب و بیماری» که در متن مانوی dr آمده است، اسطوره-ای اصیل است و در اوستا آمده است. اسطوره «دادن پیشنهاد رسالت دین توسط اورمزد به فریدون و نافرمانی کردن فریدون از اورمزد» که در ورشت‌مانسرنسک ذکر شده است، اسطوره‌ای است که توسط بندهای مهمان در این فرگرد خلق شده است.

واژه‌های کلیدی: سودگرنسک،

ورشت مانسرنسک، متن مانوی،

فریدون، شاهنامه، اسطوره.

استناد: گشتاسبی اردکانی، پورچیستا، زرشناس، زهره، گشتاسب، فرزانه؛ (۱۴۰۴). فریدون، دارنده سه نیرو، پهلوان بود یا پزشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورشت مانسر

DOI:10.22059/jis.2025.389555.1336

نسک و متن مانوی dr). پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۱۵، شماره ۴، زمستان. (۱۲۹-۱۵۰).



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

https://jis.ut.ac.ir/article_102360.html

۱. مقدمه

کتاب دینکرد، مهمترین متن فارسی میانه است که به معنی «کردهٔ دین» یا «رسالهٔ دین» است. این کتاب بر اساس اوستا و ترجمه‌ها و تفسیرهای آن تدوین شده است. کتاب نهم دینکرد شامل سه نسک گاهانی سودگرنسک، ورشت مانسرنسک و یغ نسک است. در کتاب نهم دینکرد، در دو بخش سودگرنسک و ورشت مانسرنسک اسطوره‌هایی دیده می‌شود که در هیچ متن دیگری از آنها سخن نرفته است.

فرضیه‌ای که برای این پژوهش وجود دارد این است که برخی از اسطوره‌های موجود در کتاب دینکرد در مورد فریدون، اسطورهٔ اصیل نیست و شاید به طریق دیگری ساخته و در این کتاب نوشته شده است. هدف از انجام این پژوهش این است که برخی از اسطوره‌ها که در سودگرنسک و ورشت مانسرنسک و همچنین متن فارسی میانهٔ مانوی dr به فریدون نسبت داده شده است، با اوستا و زند تطبیق داده شود و مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص گردد منشأ این اسطوره‌ها از کجاست.

۲. پیشینهٔ پژوهش

متن پهلوی دینکرد را مدن (Madan, 1911)، درسدن چاپ عکسی نسخهٔ B (Dresden, 1966) و سنجانا ترجمهٔ کامل دینکرد (Sanjana, 1874-1928) منتشر کرده‌اند. وست ترجمهٔ کتاب‌های هشتم و نهم دینکرد را در سال ۱۸۹۲ منتشر کرده است (West, 1892). موله (Mole, 1963) در کتاب آیین، اسطوره و کیهان‌شناسی در ایران باستان که رسالهٔ دکترای وی بوده است، ترجمهٔ بخش‌هایی از کتاب نهم دینکرد را آورده است. فاطمه سیدی در سال ۱۳۹۲ رسالهٔ دکترای خود را با عنوان «بررسی یغ نسک از کتاب نهم دینکرد» در رشتهٔ فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دفاع کرده است. در سال ۱۳۹۷ کتابی با عنوان تصحیح و ترجمهٔ سوتگرنسک و ورشت مانسرنسک منتشر شد که رسالهٔ دکترای احمد تفضلی است که در سال تحصیلی ۱۳۴۴-۱۳۴۵ در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران دفاع شده است (تفضلی، ۱۳۹۷). در سال ۱۳۹۹ کتابی با عنوان سودگرنامه: سودگرنسک از کتاب نهم دینکرد منتشر شده است که مؤلف آن پورچیستا گشتاسبی اردکانی نخستین نسک گاهانی از کتاب نهم دینکرد را برای نخستین بار به شیوهٔ مکنزی حرف‌نویسی و آوانویسی کرده و برای این نسک برگردان فارسی، یادداشت‌های مربوط به متن و واژه‌نامهٔ بسامدی پهلوی-فارسی ارائه کرده است و کل این نسک را نیز بر وزن شاهنامهٔ فردوسی به نظم درآورده است (گشتاسبی اردکانی، ۲۰۲۰). واینا نیز در رسالهٔ دکترای خود بخشی را به ترجمهٔ سودگرنسک که نخستین نسک گاهانی کتاب نهم دینکرد است اختصاص داده است که در سال ۲۰۲۳ به صورت کتابی با عنوان The “Sudgar Nask” of “Denkard” Book 9: Text, Translation and Critical Apparatus منتشر شده است (Vevaina, 2023). چنگیز مولایی مقاله‌ای را با عنوان «معنی نام فریدون و ارتباط آن با سه نیروی او در سنت‌های

اساطیری و حماسی ایران» منتشر کرده است (مولایی، ۱۳۸۸). مینا مرادی مختار خانلو پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «فریدون در متون اوستایی، پهلوی و شاهنامه» در سال ۱۳۹۰ در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در دانشگاه شیراز دفاع کرده است. وی گردآوری مطالبی را که نام فریدون در آن ذکر شده است، در این پایان‌نامه انجام داده است.

۳. روش پژوهش

شیوه انجام پژوهش و بررسی داده‌ها به روش توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌های این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است. اطلاعات و داده‌های این پژوهش از منابع گوناگونی چون کتاب و مقاله گردآوری می‌شود و پس از آن مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. در این پژوهش آوانویسی‌های پهلوی متن دینکرد و متن زند به شیوه مکنزی نوشته شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. فریدون و نیروهای او در سودگرنسک

در فرگرد بیستم سودگرنسک که *vohū.xšaθra* نام دارد، درباره فریدون و نیروهایش مطالبی آمده است. چنان که گشتاسبی اردکانی در مقاله ۲۰۲۴ خود (Goshtasbi Ardakany, 2024) به این موضوع اشاره کرده است، نویسنده دینکرد یعنی آذرباد امیدان برای ساخت قطعات فرگردهای این کتاب از بندهایی به عنوان بند اصلی اوستا، و از بندهایی به عنوان بند مهمان شده در فرگردها استفاده کرده است تا قطعات متن را بسازد.

تعریف آذرباد امیدان از نسک گاهانیک:

7 gāhānīg čē ō gāhān kard ēstēd u-šān nām ān ī gāhānīg hād nērang, ī ast Stōt yasni ud Sūdgar ud Waršt-Mānsar ud Baγ, Waštāg ud Hādōxt ud ān ī ān gāhānīg grift ēstēd Spand (Madan, 1911: 678/ line 1-4; Goshtasbi Ardakany, 2024).

هفت تا گاهانی است، زیرا با گاهان ساخته شده است و نامشان متعلق به نیرنگ هات گاهانی، که عبارتند از: ستوت یسن و سودگر و ورشت‌مانسر و بَغ و وشتگ و هادخت و آن که متعلق به گاهانی گرفته شده است، سپند.

تعریف آذرباد امیدان از بند اصلی و مهمان:

andar har(w) 3, har(w) 3 hast. andar gāhānīg hādag-mānsarīg ud dādīg. ud andar hādag-mānsarīg, gāhānīg ud dādīg, ud andar dādīg, gāhānīg hādag-mānsarīg. jud jud ān ī xwad mādayānīhā ud mādagwarīhā ud ⁺mehmānīhā, ud ān ī did bahrīg. ud andar āwurd mehmānīg u-š čim andar mēnōg ud gētīg ud andar gētīg ud mēnōg ud andar ān ī mayānag ī har(w) 2, har(w) 2 (Madan, 1911: 678/ line 14-20; Goshtasbi Ardakany, 2024).

در هر سه، هر سه هست. در گاهانیک، هادگ‌مانسریگ و دادیگ. و در هادگ‌مانسریگ، گاهانیک و دادیگ، و در دادیگ، گاهانیک <و> هادگ‌مانسریگ. جدا جدا آنچه ماهیتاً و اساساً، با مهمان بودن، و آنچه منسوب به بخش دیگر است. و در آن آوردم به صورت مهمان و دلیلش در مینو و گیتی و در گیتی و مینو و در آنچه میانه هر دو است، شامل هر دو است.

۱۳۳ فریدون، دارنده سه نیرو، پهلوان بود یا پزشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورشت مانسر نسک و متن مانوی.

آذرباد آنچه را که اصلی و متعلق به یک نسک است، به صورت mādayānīhā ud mādagwarīhā و آنچه را که به صورت مهمان شده و متعلق به بخش‌های دیگر است به صورت ⁺mehmānīhā ud ān ī did bahrīg مشخص کرده است. یعنی اگر نسک گاهانی باشد، آنچه از گاهان و هات گاهانی در آن نوشته شده است اصلی است و آنچه از نسک‌های دادیگ و هادگ‌مانسریگ در آن نوشته شده است، به صورت مهمان (مهمانی) و متعلق به بخش دیگر نام دارد. آذرباد امیدان، دینکرد را با استفاده از واژه‌ها، عبارات و بندهای گوناگون اوستا که در کنار هم قرار داده است نوشته است و شیوه نوشتاری دینکرد به خود او اختصاص دارد. در پژوهش حاضر این روش هنگام بررسی متن آورده شده است که بند اصلی است یا مهمان شده و متعلق به بخش دیگر است.

۴-۱-۱. نیروی پهلوانی فریدون در سودگرنسک با سه سلاح

در فرگرد بیستم سودگرنسک، دقیقاً پیش از آمدن موضوع «زدن ضحاک توسط فریدون»، بند اصلی این فرگرد ذکر شده است، یعنی آنچه متعلق به هات Vohuxšaθrā از گاهان (Y. 51) است، زیرا با این تلمیح و اشاره به گاهان، این قطعه به نام این فرگرد منسوب می‌گردد:

⁺ā-m ⁺ō awē ī weh xwadāy kāmāg bahr abar barišnīh, tis ō awē dahēm kē xwadāyīh ī weh abāyēd ka kunēd (Madan, 1911: 811; گشتاسبی اردکانی، ۱۳۹۹: ۸۱)

پس مرا به او که نیک سرور <است> کامه، بهر برش بُردن (= به ارمغان بُردن). چیز به او دهم که سرورِ نیک باید چون کند (گشتاسبی اردکانی، ۱۳۹۹: ۸۳).

این قطعه برگرفته از گاهان، بند نخست هات ۵۱ یسنا است:

Avesta: vohū xšaθrēm vairīm, bāgəm aibī.bairīštəm (Y. 51/1/ a).

قدرت خوبی که شایسته انتخاب است، که بیشترین سهم را به ارمغان می‌آورد (Humbach & Ichaporia, 1994: 97).

Zand (Y. 51/1 a): ō-m awē ī weh xwadāy kāmāg, bahr abar barišnīh [kū bahr ō awē kas dahēm kē xwadāy ī nēk abāyēd] (Dhabhar, 1949, 222).

مرا به او که سرورِ نیک <است> کامه، بهر به ارمغان بُردن [یعنی، بهر را به آن کس دهم که سرورِ نیک باید <بودن>].

در اوستا و زند، اشاره به پادشاهی و سروری گشتاسب است که در بند ۱۶ هات ۵۱ یسنا، نام گشتاسب ذکر شده است؛ اما آذرباد امیدان، در داستان فریدون آن را آورده است و سرورِ نیک را به فریدون نیز نسبت داده است. در واقع چون موضوع پادشاهی و سروری نیک بوده است، آذرباد این تلمیح را آورده و به پادشاهی گشتاسب اشاره کرده است که هر دو پادشاهی شبیه هم هستند. آذرباد پس از ذکر این بند اصلی گاهانی که مربوط به این فرگرد گاهانی است، عبارات، واژه‌ها و جملاتی را از بندهای دیگر اوستا به عنوان مهمان در ادامه آورده است که بدین شرح است:

ud abar wānīdan ī **Frēdōn** Dahāg margēnīdan rāy **wazr** abar parīg/frēg, dil, mastarag-iz zadan. ud nē murdan ī Dahāg az ān zanišn ud pas pad **šafšer** zadan ud pad fradom dudīgar sidīgar zanišn az tan ī Dahāg was ēwēnag xrafstar waštan. guftan ī dādār-Ohrmazd ō Frēdōn kū-š mā karrēnē kē Dahāg, cē agar-iš karrēnē

(گشتاسپی، اردکانی، ۱۳۹۹: ۸۱؛ Madan, 1911: 81).

بندهای مهمان شده در این قطعه که موضوع را تعیین می‌کنند، بندهایی از اوستاست که در آنها موضوع «زَدَن و مغلوب کردنِ ضحاک توسط فریدون» ذکر شده است.^(۱) نیروی جنگاوری، دلاوری و پیروزمندی فریدون، آیفیتی است که ایزدبانو آردویسور آنهاید، ایزدبانو آشی، ایزدبانو درواسپا و ایزد ویو به خاطر قربانی‌هایی که برای آنها انجام داده بود، به فریدون عطا کردند. در بند ۳۳، ۳۴ و ۳۵ یشت ۵، به قربانی‌هایی که فریدون برای آردویسور آنهاید انجام داده و این ایزدبانو آیفِت پیروزی و غلبه یافتن بر ضحاک را به او عطا کرده، و در بند ۳۳، ۳۴ و ۳۵ یشت ۱۷، به قربانی‌هایی که فریدون برای آشی نیک انجام داده و این ایزدبانو آیفِت پیروزی و غلبه یافتن بر ضحاک را به او عطا کرده، و در بند ۱۳، ۱۴ و ۱۵ یشت ۹ به قربانی‌هایی که فریدون برای ایزدبانو درواسپا انجام داده و این ایزدبانو آیفِت پیروزی و غلبه یافتن بر ضحاک را به او عطا کرده، و در بند ۲۳، ۲۴ و ۲۵ یشت ۱۵ به قربانی‌هایی که فریدون برای ایزد ویو (= رام) انجام داده و این ایزد آیفِت پیروزی و غلبه یافتن بر ضحاک را به او عطا کرده، اشاره شده است. همچنین فریدون همواره در متون مختلف از زین‌افزارهای ایزد مهر استفاده می‌کند. بدین ترتیب وی نیروی ماورایی سه ایزدبانو (اردویسور آنهاید، آشی، درواسپا) و همچنین سه نیروی پیروزمندی (اورمزد، ایزد ویو، ایزد مهر) و فرّ کیانی را به همراه دارد. همچنین فریدون سه سلاح ایزد مهر را در نبردهایش به همراه دارد. زین‌افزارهایی که در این قطعه از فرگرد بیستم سودگرنسک بدان اشاره شده است، واژه‌هایی است که به عنوان مهمان در این قطعه از متن قرار گرفته است و این زین‌افزارها متعلق به ایزد مهر است.^(۲) نام خرفستران (= جانوران زیانکار) نیز در این قطعه به صورت مهمان آمده است.^(۳) مرادی مختار خانلو در پایان‌نامه‌اش آوانویسی این قطعه از سودگرنسک را نوشته است و برای ترجمه نیز ترجمه بسیار قدیمی وست را آورده است که در زمان کنونی اعتبار علمی کمی دارد و با آنچه در این فرگرد نوشته شده است تفاوت زیادی دارد. وی اصل اوستایی و زند عبارات را نیز در پژوهش خود ذکر نکرده است (مرادی مختار خانلو، ۱۳۹۰:

۱۳۵ فریدون، دارندهٔ سه نیرو، پهلوان بود یا پُژشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورثت مانسر نسک و متن مانوی.

۵۸). در شاهنامه نکاتی ذکر شده است که به دینکرد شباهت بسیار دارد. شباهت‌ها در شاهنامه و این قطعه بدین شرح است:

سودگرنسک: و دربارهٔ مغلوب کردن فریدون ضحاک را، ... گرز بر ... جمجمهٔ <ضحاک> زدن. ... گفتن داداراورمزد به فریدون که او را نشکافی ... با روشی بستن با بند سخت، ... شاهنامه:

بیامد فریدون به کردارِ باد	ز بالا چو پی بر زمین برنهاد
بزد بر سرشِ ترگ بشکست خُرد	بران گُرزَهٔ گاوسر دست بُرد
مَزن گفت، کاو را نیامد زمان	بیامد سروشِ خجسته دمان
ببر تا دو کوه آیدت پیش تنگ	همیدون شکسته ببندش چو سنگ
نیاید برشِ خویش و پیوندِ او	به کوه اندرون به بُود بندِ او

(فردوسی، ۱۳۹۱: ۳۹).

سروش در شاهنامه به معنی «وحی یا الهام ایزدی» است (معنی مصراع: الهام خجستهٔ ایزدی به سرعت بیامد) و این مصراع با «گفتن داداراورمزد به فریدون» در سودگرنسک مطابقت دارد. به نظر می‌رسد کتاب دینکرد یکی از منابعی بوده است که فردوسی برای سرودن شاهنامه از آن بهره جسته است، البته فردوسی مطالب را به صورت گزیده از منابع مختلف در اشعار شاهنامه آورده است. مرادی مختار خانلو در پایان‌نامهٔ خود در بخشی که مطالب مربوط به فریدون در شاهنامه را گردآوری کرده است، تنها سه بیت را در پژوهش خود ذکر کرده است، یعنی از بیت «بیامد سروش خجسته دمان» تا «نیاید برش خویش و پیوندِ او» (مرادی مختار خانلو، ۱۳۹۰: ۹۰-۹۱). همچنین در گرشاسب‌نامه و کوش‌نامه نیز مطالبی آمده است که به این قطعه از سودگرنسک شباهت دارد: **گرشاسب‌نامه** (پادشاهی فریدون و نامه فرستادن به گرشاسب):

بیامد فریدون به شاهنشهی	وز آن مارفش کرد گیتی تهی
سرش را به گرز کیی کوفت خُرد	ببستش، به کوه دماوند بُرد

(اسدی توسی، ۱۳۸۹: ۲۹۳).

کوش‌نامه (نامهٔ فرارنگ به پدر دربارهٔ پیروزی فریدون و بند کردن ضحاک):

که فرزند من فر خجسته نهاد	فریدون که بر شاه فرخنده باد
ز یزدان همه کامگاری بیافت	چو از کوه بر جنگِ دشمن شتافت
به یک زخم ضحاک را کرد پست	دو دست و دو پایش به آهن بست
زبویان کنون جای زندان اوست	همه قلعهٔ پرگزند آن اوست

(ایران‌شان‌بن‌ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۴۳۸).

۴-۱-۲. نیروی افسونگری فریدون در سودگرنسک

در فرگرد بیستم سودگرنسک دربارهٔ رویارویی فریدون با دیوانِ مازندر و نیروی افسونگری او مطالبی آمده است. در این فرگرد پس از نیروی پهلوانی و پیروزی فریدون و بند کردن ضحاک و رفتن او به مفاک ضحاک و ربودن دو همسر ضحاک، از نیروی افسونگری فریدون برای مقابله

با دیوان مازندر سخن رفته است؛ اما در سودگرنسک از نیروی پزشکی فریدون مطلبی نیامده است.

ud abar hampursīd māzandarān dehān, pas az wānīdan ī Dahāg, pad dāstan ī ō Xwanirah ud <framān> spōxtan ī Frēdōn az-iš. <Frēdōn> pad mānišn frāz kardan ī ham-gyāg pad was marag padīd. u-šān bulandīh rāy zrēh ī Frāxkard ast kū tā mayān-rān ast kū tā nāfag ud ān ī zofrtar gyāg tā ō dahān mad (Madan, 1911: 812-813; ۸۱: ۱۳۹۹، گشتاسی اردکانی).

و درباره گفتگوی سرزمین‌های مازندران،^(۵) پس از مغلوب کردن ضحاک، تصور کردن که در خونیره <است> و نافرمانی کردن فریدون از او. <فریدون> برای اقامت کردن همانجا، با تعداد بسیاری نبرد کرد. آنها را بلندی دریای فراخکرد است که تا میان ران است، که تا ناف و آن جای ژرف‌تر تا به دهان آمدن (گشتاسی اردکانی، ۱۳۹۹: ۸۴).

ud abar ham-rasišnīh ī Frēdōn abāg māzandarān dehān pad dašt ī pēšānīkas ī pahikārdan ī ō awēšān.... ēn-iz kū be pas tazīd ud pērōzgar Frēdōn ō bālist ī pēš tazīd. u-š wēnīg ān frōgīd kū-š be daftan az dašn wēnīg ī awē snāxr padīd hēnd ī hamāg sard ī zamestānān-⁺dahišn ⁺ī burrāg ī tēz. ud az hōy wēnīg ī awē sag padīd hēnd ī kadag-masāy ī ⁺hamāg ⁺tāft ī ⁺ātāxšān-dahišn ī burrāg ī tēz. ⁺ā-z ⁺nē-š ⁺sraw ⁺andar (Madan, 1911: 813-814).

و درباره دیدار فریدون با ساکنان سرزمین‌های مازندران، در دشت پیشانی‌کس مجادله کردن با آنها این نیز که عقب دوید و فریدون پیروزگر به قلعه مقابل دوید. بینی‌اش آن <گونه> درخشید که به دمیدنش از بینی راست او برف‌ها افتادند که همه سرد زمستانی‌کننده بُرنده تیز، و از بینی چپ او سنگ‌ها^(۶) به اندازه کده افتادند، که همه گرم آتشی-کننده بُرنده تیز.^(۶) پس نیز سخن شهرت‌یافته درباره آن نیست.^(۷)

در شاهنامه فردوسی آمده است که فریدون پس از رسیدن به پادشاهی در بیشه همیشه اقامت کرده است و از جنگ فریدون با مازندران سخنی به میان نیامده است:

از آمل گذر سوی تمیشه کرد نشست اندر آن نامور بیشه کرد
کجا که ز جهان گوش خوانی همی جز این نیز نامش ندانی همی
(فردوسی، ۱۳۹۱: ۴۰).

پس از این ابیات، در شاهنامه، فریدون جَندل را به یمن می‌فرستد تا سه دختر شاه یمن را برای سه پسرش بخواهد (فردوسی، ۱۳۹۱: ۴۰). یمن در مازندران مغرب قرار دارد.^(۸)

این قطعه از دینکرد، از بندهایی از اوستا ساخته شده است که متعلق به بخش‌های گوناگون اوستا هستند و در این فرگرد به عنوان مهمان نوشته شده‌اند.^(۹) این قطعه که از ترکیب چندین بند اوستایی توسط آذرباد امیدان ساخته شده است، اسطوره‌ای جدید را ساخته است که در فرگرد بیستم سودگرنسک به فریدون نسبت داده شده است.^(۱۰) افسونگری متعلق به فریدون در این قطعه، افتادن از بینی راست او برف‌ها که همه سرد زمستانی‌کننده بُرنده تیز، و افتادن از بینی

۱۳۷ فریدون، دارنده سه نیرو، پهلوان بود یا پزشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورثت مانسر نسک و متن مانوی.

چپ او سنگ‌های به اندازه کده، که همه گرم آتشی‌کننده بُرنده تیز، بوده است. درباره جنگ ایرانیان با سیاهان مازندران در کوش‌نامه مطالبی آمده است:

(جنگ‌های ایرانیان با سیاهان بجه و نوبی در کشور باختر)

سپاهی فرستاد و باز آمدند	به تن خسته و دل‌گداز آمدند
سپاهی دگر خسرو دادگر	فرستاد و رنجش نیامد به بر
به تیغ سیاهان همه کشته شد	دل خسته از رزم برگشته شد
فزون کرد لشکر جهاندار شاه	درنگی نبودند با او سپاه
شکسته دگر باره گشتند باز	دریده درفش و پراکنده ساز
از ایران، وز روم، وز ترک و چین	سپاهی گزین کرد شاه زمین
نریمان گرشاسب و قارن بهم ...	سپه برکشیدند هنگام نم ...
چو پیوسته شد جنگشان چار ماه	ستوه آمد از گرز ایشان سیاه
سوی بجه و نوبه گشتند باز	دل از داغ دو پهلوان در گداز
سپاه نریمان و قارن بهم	کشیده ز رنج سیاهان ستم
به درگاه از آن پس رسیدند باز	بگفتند با خسرو سرفراز
ز رنجی کز آن لشکر زشتروی ...	کشیدند گردان پرخاشجوی ...
فریدون بر ایشان بخواند آفرین	وز آن شادمان گشت شاه زمین
زمین بجه هر که او داندش	جهان‌دیده مازندران خواندش
فریدون فرستاد از آن پس سری	بدو داد از ایرانیان لشکری
بدان تا نگه دارد آن مرز و بوم ...	ز بیداد و تیغ سیاهان شوم ...
دگر باره نوبی چو مور و ملخ	بیامد گرفت آن همه کوه و شخ
سپاه فریدون از آن سان گریخت	که از بیم در راه ترکش بریخت
سیاهان به تاراج بردند دست	همه مرز یکباره کردند پست

(ایران‌شان بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۵۳۴-۵۳۶)

ایران‌شان بن ابی‌الخیر داستان فریدون را برای خوشایند غیاث‌الدین ابوشجاع محمد بن ملک‌شاه سلجوقی تغییر داده است تا جایگاه بالاتری نزد شاه پیدا کند و هدایای بیشتری دریافت کند،^(۱۱) اگرچه وی در این داستان از مسعودی^(۱۲) نام می‌برد و به او ارجاع می‌دهد. به نظر می‌رسد دشت پیشانی‌کس در سودگرنسک باید در مازندران مغرب باشد و با دشت پیشانسه یکی نیست؛ زیرا در بندهش آمده که دشت پیشانسه در کابلستان است (Pakzad, 2005: 343). در هر صورت فریدون در سودگرنسک، در جنگ با آنان پیروز شده است؛ اما ایران‌شان بن ابی‌الخیر، سراینده کوش‌نامه چنین آورده است که لشکر فریدون بارها و بارها شکست خورده است. و اما به این نیز بسنده نمی‌کند و در کوش‌نامه بیان کرده است که فریدون از روی ناچاری دست به دامن کوش می‌شود. فریدون که پیش از این کوش را در دماوند به بند کشیده است، دستور می‌دهد تا او را آزاد کنند و او را مورد لطف و مهربانی قرار می‌دهد و به او هدایای فراوان می‌بخشد تا کوش به جنگ سیاهان مازندران برود (ایران‌شان بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۵۳۷-۵۴۲) و کوش در جنگ پیروز می‌شود. در

کوش‌نامه، «مازندران» سرزمینی است واقع در آفریقا و جنوب مصر. در همین کتاب، مازندرانی که کیکاوس برای تصرف آن لشکر کشید و اسیر دیوان گردید و آن گاه رستم برای نجات وی و ایرانیان از هفت خان معروف گذشت (شاهنامه فردوسی)، واقع در آفریقا و جنوب مصر است (کوش‌نامه، بیت‌های ۹۵۷۸ تا ۹۶۷۴، متنی، ۱۳۷۷: ۵۳۵). این بدان معناست که در کوش‌نامه در مازندران مغرب این جنگ رخ داده است. ایرانشان بن ابی‌الخیر در ذکر منبع کتاب بیان کرده است که داستان را از یکی از بزرگان شهر گرفته و به نظم در آورده است و از آن شخص نام نمی‌برد (ایرانشان بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۴۱) و باید گفت که مشخص نیست داستان از ابتدا اشتباه بوده یا خود در آن تغییر داده است تا کوش را برتر از فریدون نشان دهد. در مجمل‌التواریخ و القصص آمده است: «و فریدون قارن کاوه را به چین فرستاد، تا کوش پیل‌دندان را بگرفت، بعد از آن به مازندران مغرب رفت و کروض شاه ایشان را بگرفت. ... پس فریدون کوش پیل‌دندان را از بند برگشاد و پادشاهی جنوب [و] مغرب دادش، و از بعد مدتی عاصی گشت و پسر کروض مازندرانی، هریده دیگر باره سپاه آورد، و شاه، سام نریمان را بفرستاد تا وی را بکشت. ... و سپس به گرگان بیود، اول به زمین بابل بنشست، پس دارالملک به تمیشه ساخت» (مجم‌التواریخ و القصص، تصحیح بهار، ۱۳۸۴: متن ۴۱-۴۲؛ و تصحیح نحوی، ۱۴۰۰: ۱۲۳-۱۲۴).^(۱۳) مشخص است که داستان در کوش-نامه تغییر کرده است، زیرا در مجمل‌التواریخ و القصص نیز مانند سودگرنسک، فریدون خود به مازندران مغرب می‌رود؛ اما در کوش‌نامه، فریدون سپاه فرستاده است و خود نرفته است.

سودگرنسک:

be bast pērōzgar ī tagīg ī Frēdōn az pāy ī gāw ī gušn ī Barmāyōn u-š ān ulīh ul dawēnīd, u-š awēšan kard dīg, ud kirb u-š awēšan be zad hēnd kē māzandarān deh, pad panjāh yānišnīh ud sad yānišnīh ud hazār yānišnīh ud bēwar yānišnīh ud amar yānišnīh. u-š ēdōn be zad hēnd pērōzgar ī tagīg Frēdōn, dō srišwādag ān ī māzandar deh, ud ēk srišwādag be mad zad ud wēmār. ud nē-z pas, Spitāmān Zarduxšt kē māzandar deh abar ēn kišwar ī Xwanirah raft hēnd, u-šan nē pad abar menišnīh-iz menīd kū šawēm bē az ān kē ēdōn nām būd hēnd, Spitiyōš Spānsnāyōš ud Arzrāspāh ī Spānsnāyōš kē tazīd hēnd pad xrad-xwāhišnīh ud raft hēnd abar Frašōštar ī Hwōwān (Madan, 1911: 814; ۸۲: ۱۳۹۹، گشتاسبی اردکانی).

بیست فریدون پیروزگر چابک، از پای گاوِ نرِ برمایون و او را به بالای بلندی دَواند و او آنها را <در> دیگ کرد^(۱۴) و تن آنها را زد (= به تن‌های آنها آسیب وارد کرد) که اهل سرزمین مازندران بودند، با پنجاه تن کشتار و صد تن کشتار و هزار تن کشتار و ده‌هزار تن کشتار و بی-شمار کشتار. و دو سوم ساکنان سرزمین مازندر توسط فریدون پیروزگر دلیر کشته شدند، و یک سوم، زده و بیمار بیامد. و نیز پس، ای زردشت سپیتمان، کسانی که اهل سرزمین مازندر <بودند> به کشور خونیره نرفتند و حتی به منش نیز نیندیشیدند که رویم، بجز از آن کسانی که نام آنان چنین بود: سپیتیوش سپانسنایوش و آزرراسپاه سپانسنایوش که تازیدند برای خردخواهی و به فروشش از خاندان هُووی رفتند. (گشتاسبی اردکانی، ۱۳۹۹: ۸۵). این قطعه از فرگرد از بندهای

۱۳۹ فریدون، دارنده سه نیرو، پهلوان بود یا پزشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورشت مانسر نسک و متن مانوی.

اوستا که در این فرگرد به صورت مهمان آمده‌اند ساخته شده است.^(۱۵) در کوش‌نامه کارهایی که فریدون با مازندران کرده است، به کوش نسبت داده شده است:

کوش‌نامه (کارزار کوش پیل‌دندان با سیاهان بجّه و نوبی):

چو پیروز شد کوش و آمد فرود	بدان شادکامی می آورد و رود
بفرمود تا هر کسی کشته‌ای	سیاهی به خون اندر آغشته‌ای
بپختند و کردند بریان گرم	نه آزر در دل نه در دیده شرم
تنی چند را پاره کردند نیز	بپخته از آن دیگ و هر گونه چیز
تنی چند را پوست بیرون کشید	به گیتی کسی آن شگفتی ندید
گروهی به دو نیم کردند پست	گروهی بُریده سر و پای و دست

(ایران‌شان بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۵۷۵)

در سودگرنسک آمده است که فریدون دیوان مازندر را در دیگ انداخته و به تن آنها آسیب وارد کرده است؛ اما سراینده کوش‌نامه این کارها را به کوش نسبت داده است و داستان را کاملاً تغییر داده است. مرادی مختار خانلو در پایان‌نامه خود برای این قطعه از سودگرنسک، تنها ترجمه وست را آورده است و آوانویسی متن دینکرد و بررسی اوستا و زند را نیاورده است (مرادی مختارخانلو، ۱۳۹۰: ۵۹).

۴-۲. فریدون و نیروی درمانگری او از طریق افسونگری و پهلوانی در متن مانوی dr

در متن مانوی dr یا M781+M1314+M1315 (T I) که به فارسی میانه است، درباره نیروهای فریدون برای دفع تب و بیماری مطالبی آمده است. در این متن فریدون هر سه نیرو را همزمان برای درمان تب و بیماری به کار می‌برد:

afsōn ī tab ud wād ī ... ud xwānīhēd idarā. u-š se pahikirb ast, u-š par če'ōn paškūz. ud andar astag nišīnēd, ud andar mastarag ī mardōmān. ud xwānīhēd tab wuzurg. afsāyīhēd pad āb ... rōyēn ud ādurestar u-š abar afsāy ēda'ōn (Boyce, 1975: 187).

افسون تب و باد ... و خوانده شود ای‌درا (= اژدها). او را سه پیکر است و پَرش چون پَشکوز (= شیردال). و اندر استخوان نشیند، و اندر جمجمه مردمان. و خوانده شود تب بزرگ. **افسون شود به وسیله آب ... رویین و خاکستر و بر او افسون کن چنین ...**

... ēn-iz tab ī awāhmān ī awāhmān pus, uzīhād ud wany bawād, pad nām ī xwadāwan yišō aryamān, pad nām ī-š pidar burzist, pad nām ī wāxš yōjdahr, pad nām ī handēšišn ī naxustēn, pad nām ī el yōjdahr, pad nām ī baubo, pad nām ī *mōmīn ī *ērīzān, mīxaēl ud rufaēl ud gabraēl, pad nām ī ... ud wasēxwar, pad nām ī ... čabōt ud band ī rōšn ud pad ... (Boyce, 1975: 187).

... نیز این تب بهمان پسر بهمان، بیرون شواد و نابود باد، به نام خداوند عیسی آریامان، به نام پدرش، بزرگترین، به نام واخش یوژدهر (روح‌القدس)، به نام اندیشه نخستین، به نام تیل مقدس، به نام بتوبو، به نام مومین ایرزان، میکائیل، روفائیل و جبرائیل، به نام ... و پُرخور، به نام سَبَتوت و بندِ روشن و به

... hāmāg ... Frēdōn nirāmād ... u-m *se pahikirb ud ⁺frōg (?) ī ādurēn andar istād hēnd. ud **tabar ī tēj ud wišōbāg** pad dast dārēm, u-m **šafšēr ud čilān ī hasūd armās ī pāk** pērāmōn ōbāyēd, u-m aspšōn īg gōwišn ud ašnawišn ī frēstagān ... abāg ast, ud **haft čilān istaft pōlāwad** ī-m pad dast grift ... (Boyce, 1975: 188).

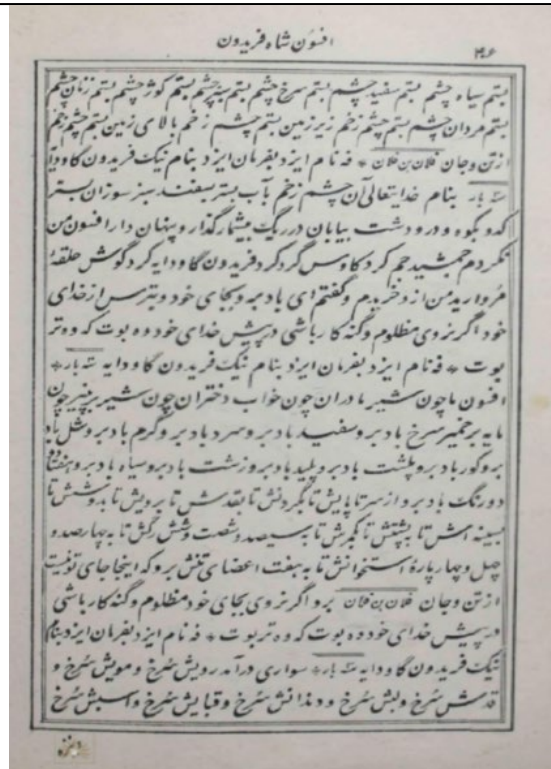
... **فریدون** ... همه ... را مهار خواهد کرد. ... و سه پیکر و فروغ آتشین در من ایستادند. و **تبر تیز و ویرانگر** در دست دارم و **شمشیر و خنجر اصل از فولاد خالص** پیرامونم را حفظ می‌کند و تازیانه سخن گفتن و شنیدن فرشتگان ... با من است و **هفت خنجر فولادی سخت** که در دستم گرفته‌ام

... wispān ... īg kadag, ud wispān rāzān ī kadag, ud wispān wādān bazagān ī kadag, wispān xēšmēn apparān ī kadag zanān, u-šān nispurd ērpāyān bannagān, *aʾōn kū zēn nē *istānānd, ud padīrag man nē *ēstānd, u-šān rōšn *apparān ud abar xwēš ispīzišn abzāyān, *u-šān zōr apparān ud abar xwēš zōr abzāyān (Boyce, 1975: 188).

... همه ... ی کده را، و همه رازهای کده را، و همه بادهای پلید/گناهکار کده را، همه دزدان خشمگین کده را خواهیم زد، و بندگان سرکوب‌شده زیر پایشان را، چنانکه زین‌افزار نخواهند ستاند، و پذیره من نخواهند ایستاد، و روشنی‌شان را خواهیم ربود و بر درخشش خویش خواهیم افزود، و زورشان را خواهیم ربود و بر زور خویش خواهیم افزود.

در این متن مانوی، بیماری و تب به اژدها تشبیه شده است که سه پیکر دارد و بال‌هایی شبیه به شیردال دارد. idarā در این متن، همان udarā «اژدها» است که در قسمت پیشین ذکر شد. دارای سه پیکر بودن آن، نمادی از آژی دهاک است، زیرا ضحاک خود نمادی از بیماری است که بر روی کتف‌هایش دو مار روییده است و همه پزشکان از درمان او عاجز هستند. آژی دهاک در اوستا با صفت «سه پوزه سه سر شش‌چشم دارنده هزار بند و افسون» شناخته می‌شود. فریدون در این متن مانوی، سه سلاح فولادی برای مبارزه با این اژدهای سه‌پیکر دارد و با استفاده از این سه سلاح و این افسون ضد تب و بیماری، نقش کنترل‌کننده تب و بیماری و درمانگری را دارد. این سلاح‌ها متعلق به ایزد مهر است و در اوستا نام آنها در مهریشت آمده است. (۱۶)

بویس در پاورقی متن «M4b یا dt» در مورد ثرَٔتُون، فریدون شاه، ثرَٔتُون اوستایی را که هنوز هم زردشتیان از او به عنوان «شاه فریدون» برای کمک در برابر بیماری و سایر بدی‌ها یاد می‌کنند، یاد کرده است. فریدون نیو «فریدون دلیر» به شیوه سنتی زردشتی با ایزد مهر پیوند خورده است (Boyce, 1975: 190). مرادی مختار خانلو در پایان‌نامه خود تنها سه سطری را که نام فریدون در آن آمده است، از ترجمه مختاریان آورده و کل متن dt را نیاورده است و آوانویسی آن را نیز اصلاً ننوشته است. این متن مانوی شبیه به افسون شاه فریدون در کتاب خرده اوستای کهن زردشتیان است که برای دفع تب و بیماری و بادهای پلید و آسیب‌رسان خوانده می‌شده است، با این تفاوت که برخی نام‌ها در آن تغییر کرده است و این افسون در آیین مانوی به شکل دیگری نوشته شده است. بخشی از افسون شاه فریدون به شرح زیر است:



تصویر ۲. بخشی از افسون شاه فریدون در کتاب خرده اوستای کهن زردشتیان

در افسون شاه فریدون به جای عبارت *awāhmān ī awāhmān pus* «بهمان پسر بهمان» که در متن مانوی آمده است، نوشته شده است «فلان بن فلان». در افسون شاه فریدون به جای عبارت «به نام خداوند عیسی آریامان، به نام پدرش، بزرگترین، به نام واخش یوژدهر (روح-القدس)، به نام اندیشهٔ نخستین، به نام ئیل مقدس، به نام بتوبو، به نام مومین ایرزان، میکائیل، روفائیل و جبرائیل، به نام ... و پُرخور، به نام سَبَتوت و بندِ روشن» که در متن مانوی آمده است، نوشته شده است «فه نام ایزد، به فرمان ایزد، به نام نیک فریدون گاودایه (سه بار)». مرادی مختار خانلو در پایان‌نامهٔ خود به متن «افسون شاه فریدون» در خرده اوستا هیچ اشاره‌ای نکرده است و آن را در پژوهش خود نیاورده است. این افسون‌های مانوی و زردشتی هر دو برگرفته از مطالبی هستند که در اوستا دربارهٔ فریدون ذکر شده است و به بند ۱۳۱ فروردین یشت اشاره دارند:

Avesta: 9raētaonahe āθβiiānōiš
ašaonō frauuašīm yazamaide

فروهر [گرونده] پاک «ثَرَاتُون» (= فریدون)، زاده «آثوی» (= «آتبین») را می‌ستاییم،

از بهر ایستادگی در برابر گری (= جرب) paitišātōe garēnāuša

و تب و رنجوری (?) tafnaoša naēzaheca

و لرز (= تب سرد) و بیماری سخت (?) sārastōišca vāuaršiiāšca

paitišātōe aži.karštahe (Yt. 13/131).

از بهر ایستادگی در برابر دشمنی پدیدآمده از اژدها ... (مولایی، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

فریدون در فروردین یشت با ثریت در فرگرد بیستم وندیداد یکی است:

Avesta: āaṭ mraoṭ ahurō mazdā, **Srītō** paoiriiō spitama zaraθuštra mašiiānaṃ
θamnaṇuhataṃ varəcaṇuhataṃ yaoxštiuuatāṃ yātumatāṃ raēuuatāṃ taxmanāṃ
paraḍātāṃ yaskəm yaskāi dāraiaṭ mahrkəm mahrkai dāraiaṭ vazəmnō-aršti dāraiaṭ
āθrō tafnuš dāraiaṭ tanaoṭ haca mašiiēhe (V. 20/2).

آنگاه اهوره مزدا گفت: «ثریت بود نخستین، ای سپیتمان زردشت، از مردمان، از مراقبت‌کنندگان،

از ورجاوندان، از زبردستان، از جادومندان، از رایومندان، از تهمان، از پیشدادان، بیماری را به

بیماری راند، مرگ را به مرگ راند، نیزه پُرآن را راند، آتش تب را راند از تن مردم.»

Zand (V. 20/2): u-š guft Ohrmazd [kū]: “**Srīt** fradom, Spitāmān Zardušt az
mardōmān pahrēzōmandān, warzāwandān, kāmagōmandān, bahrōmandān,
rāyōmandān, tagīgōmandān, pēšdādān, [ā-š] yask ō yask dāšt, [u-š] marg ō marg
dāšt, wāzān aštar dāšt, u-š ātaš tabišn dāšt, az tan bē mardōmān.” [ay, Srīt ī Sāmān,
nē Srīt ī Sirazdān, ān gyāg kū mad ēstēd ā-š tuwān būd kardan. ast kē ēdōn gōwēd,
ay, Jam būd, u-š srītiḥ ēd būd kū xwadāy ī sidīgar būd] (Anklesaria 1949: 391-392).

و اورمزد او را گفت [که]: «ثریت نخست، ای سپیتمان زردشت، از مردمان پرهیزمندان،

ورجاوندان، آرزومندان، بهره‌مندان، رایومندان، نیرومندان، پیشدادان، [که] بیماری را به بیماری

نگه داشت، [و] مرگ را به مرگ نگاه داشت، خنجر پُرآن را نگاه داشت، و آتش تب را نگاه داشت

دور از تن مردمان». [یعنی، ثریت پسر سام، نه ثریت پسر سیرز، آن جا که آمده است، پس او را

توان انجام دادن بود. است که ایدون گوید، یعنی جم بود، و سومین بودنش این بود که سومین

فرمانروا بود].

نکته مهمی که باید به آن اشاره شود، این است که نویسنده زند، در مورد تشخیص نام ثریت

دچار اشتباه شده است.^(۱۷) در تفسیر زند، مفسر هم نظر خود را درست ننوشته و آن را ثریت پسر

سام ذکر کرده است، هم نظر شخص دیگری را که به اشتباه بیان کرده او جم بوده است، به آن

افزوده است.

Avesta: višciθrəm dim aiasata āyapta xšaθra vairiia paitišātōe yaskahe paitišātōe
mahrkahe paitišātōe dāzu paitišātōe tafnu paitišātōe sāranahe paitišātōe sārastiiehe
... paitišātōe ayašiiā pūitiiā āhitiiā yā aθrō mainiiuš frākərəntaṭ auui imāṃ tanūm
yaṃ mašiiānaṃ (V. 20/3).

از او دارو خواست، آن را از شهریور (امشاسپند) به دست آورد، برای پایداری در برابر بیماری،

برای پایداری در برابر مرگ، برای پایداری در برابر درد، برای پایداری در برابر تب، برای پایداری

در برابر سارن، برای پایداری در برابر لرز (= تب سرد)، ... برای پایداری در برابر چشم بد،

پوسیدگی و عفونتی که اهریمن در تن مردمان ایجاد کرده بود.

۱۴۳ فریدون، دارندهٔ سه نیرو، پهلوان بود یا پزشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورشت مانسر نسک و متن مانوی).

Zand (V. 20/3): wiš-čih awē xwāst [be] ayāft az Šahrewar [ast kē ēdōn gōwēd, ay ayāft ēstād pad Xšahrewar, kū-š sar bun pad zarr bast ēstād] pad abāz ēstišn ī yask, pad abāz ēstišn ī marg, pad abāz ēstišn ī dard, pad abāz ēstišn ī tab, pad abāz ēstišn ī sārana, pad abāz ēstišn ī sārastya, ... pad abāz ēstišn ī ayaši pūdag āhōgēnīdār [sōr-čāšmīh] kē Ganāg mēnōg frāz karēnīd abar ō tan ī mardōmān [har kas-ē(w) weh pad xwad, wattar pad kasān] (Anklesaria 1949: 392).

<از> او دارو خواست، [ب] یافت از شهرپور (امشاسپند) [است که ایدون گوید، یعنی، یافته بود

به وسیلهٔ فلز، یعنی سراپای بیماری را با طلا بسته بود] برای پایداری در برابر بیماری، برای پایداری در برابر مرگ، برای پایداری در برابر درد، برای پایداری در برابر تب، برای پایداری در برابر سارن، برای پایداری در سارستیه، ... برای پایداری در برابر عفونت آلوده‌کنندهٔ آغشی [شورچشمی] که گنامینو (= اهریمن) پدید آورد در تنِ مردمان [هر کسی با خود <حالش> خوب <بود>، با کسان <حالش> بد <بود>].

نیروی درمان‌بخشی فریدون از به دست آوردن دارو از شهرپور امشاسپند یا بستن طلا به بدن بیماران به عنوان دارو به دست آمده است. پزشکان امروزه به این نتیجه دست یافته‌اند که استفاده از طلا توسط بیمار می‌تواند در درمان بیماری مؤثر باشد و امروزه آن را تجویز می‌کنند (Benedek, 2004; Sztandera et al., 2019)؛ اما فریدون در زمان باستان به این کشف رسیده بود و آن را برای بیماران تجویز می‌کرد. مرادی مختار خانلو در پایان نامهٔ خود، زند این بندهای وندیداد را بررسی نکرده است و درمانگری فریدون را به گیاه هوم نسبت داده است و تمرکز پژوهش او در درمانگری بر روی گیاه هوم است (مرادی مختار خانلو، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۵).

۴-۳. فریدون در مقام پیشنهاد رسالت دین توسط اورمزد در ورشت مانسر نسک

در فرگرد سیزدهم (فرگرد Uštāuaitī) از ورشت مانسر نسک، دربارهٔ اینکه اورمزد نخست دین را به جم نموده و سپس به فریدون نموده است، مطالبی ذکر شده است:

ud abar abdih ī wištāsp ud Zardušt. ud ēn-iz kū-m nimūd dēn ō Jam ī hu-ramag, u-m nimūd ō rōšn ī buland Frēdōn, u-m nimūd ō Kay Arš. u-m nimūd ō Sāmān Karsāsp, u-šan nē padiruft az stahmagih ī druz ī a-niyōšidārīh ī-šan abar mehmān būd. ud ēn-iz kū āgāh būd hom kū rawāg nē bawēd pēš az ān tā ka ō man rasēd Srōš-ahlā Wištāsp kē-š abāg ān ī meh⁺rad Zarduxšt (Madan, 1911: 851).

و دربارهٔ شگفتی گشتاسب و زردشت. و این نیز که دین را به جم نیک‌رَمه نمودم، و به فریدون روشن بلند نمودم، و به کی‌آرش نمودم، و به گرشاسپ از خاندان سام نمودم، و ایشان نپذیرفتند از نیرومندی دروچ نافرمانی که در ایشان ساکن بود. و این نیز که آگاه بودم که رواج نیابد <دین>، پیش از آن تا هنگامی که به من رسد سروش‌آهلا، گشتاسب که همراهش رد (= سرور) بزرگ زردشت <است>.

این قطعه ساخته‌شده از شش بند اوستایی است، یعنی از بندهای ۱۳۱، ۱۳۲ و ۱۳۶ یشت ۱۳، بندهای ۲ و ۳ از فرگرد دوم وندیداد و بند ۱۲ از هات ۴۳ یسنا ساخته شده است. بندهای ۲ و ۳ فرگرد دوم وندیداد و بند ۱۲ از هات ۴۳ یسنا در زیر آورده شده است تا شیوهٔ ساخت و آنچه

افزوده نگارنده دینکرد، آذرباد امیدان، است، مشخص گردد. بند اصلی این قطعه که متعلق به این فرگرد است، بند ۱۲ از هات ۴۳ یسنا (هات Uštāuaitī) است و مطالب بقیه بندها به صورت مهمان در این قطعه از فرگرد نوشته شده‌اند: ^(۱۸)

Avesta: hīiaṭcā mōi mraoš, ašəm jasō frāxšnənē
aṭ tū mōi nōiṭ, asruštā pairīiaoyžā
uzirōidīiāi, parā hīiaṭ mōi ā.jimaṭ
səraošō ašī, maža.raiiā hacimnō
yā vī ašīš, rānōibīiō sauuōi [vī]dāiiaṭ (Y. 43/12).

و هنگامی که به من می‌گویی: «با دوراندیشی به راستی می‌رسی»، همانا فرمانی به من می‌دهی که نباید نافرمانی شود. بگذار برخیزم پیش از آنکه توجه به سوی من جلب شود و پس از آن پاداشی که ثروت‌بخش است بیاید، پاداشی که مطابق با توازن در زمان تخصیص سودها تقسیم خواهد شد (Humbach & Ichaporia, 1994: 63).

Zand: (Y. 43/12 a) kē-z tān ō man guft kū-t ō ahlāyīh rasišn was. (b) ēdōn tō nē az ān ī man a-niyōšīdārīh abar guft [nē a-niyōšīdārīh man rāy būd ka-tān ēd guft kū +nūn dādan nē šāyēd]. (c) ul uzišnīh pēš az ān tā ka ō man ān rasēd (d) srōš-ahlāy [Wištāsp] kē-š ān meh rad abāg [Zardušt] (e) kē be rāst ō pahikārdārān sūd dahēd [ān Wištāsp] (Dhabhar, 1949: 183).

(الف) که نیز به من گفتید که تو را به پرهیزگاری رسیدن بسیار، (ب) ایدون تو از نافرمانی من برنگفتی [مرا نافرمانی نبود هنگامی که این را گفتید که اکنون دادن نشاید]. (پ) برخاستن پیش از آن تا هنگامی که به من آن رسد، (ت) سروش اهلا [گشتاسب] که آن رد (= سرور) بزرگ همراه اوست [زردشت]، (ث) که به پیکارکنندگان سود را درست بدهد [آن گشتاسب].

Avesta: āaṭ mraoṭ ahurō mazdā, آنگاه گفت اهوره‌مزدا:

yimāi srīrāi huuaṭ9βāi ašāum zara9uštā ahmāi paoirīiō mašīiānaṃ

«به جم زیبای نیک‌رَمه، ای زردشت پرهیزگار، نخست بار از میان مردمان، با او

همپرسی کردم، من که اهوره‌مزدا <هستم>،

apərəse azəm yō ahurō mazdā به غیر از توی زردشت،

aniio 9βaṭ yaṭ zara9uštāṭ, به او آموختم دین

ahmāi fradaēsaēm daēnaṃ

ahmāi fradaēsaēm daēnaṃ اهورایی زردشتی را.

Zand (V. 2/2): u-š guft Ohrmazd kū: “ō Jam ī nēk [pad dīdan] hu-ramag, ahlaw Zardušt! [ay, hu-ramagīh ēd būd kū-š ramag mardōmān ud ramag gōspandān drust dāšt], ō awē fradom az mardōmān ham pursīd [hom] man kē Ohrmazd [hom] [kū-m ham-pursagīh ī pad dēn fradom abāg awē kard] hān az tō kē Zardušt [hē]. ā-m ō awē frāz nimūd ēn dēn ī Ohrmazd ud Zardušt (Anklesaria, 1949: 15-16).

اورمزد او را گفت که: «به جم نیک [در دیدن] نیک‌رَمه، ای زردشت پرهیزگار! [یعنی، نیک-

رمگی این بود که او رَمه مردمان و رَمه گوسفندان را درست نگه داشت]. او را نخست از مردمان

همپرسید [م] من که اورمزد [هستم] [یعنی همپرسگی در دین را نخست با او کردم] غیر از تو که

زردشت [هستی]. پس به او فراز نمودم این دین اورمزدی و زردشتی را.

۱۴۵ فریدون، دارنده سه نیرو، پهلوان بود یا پزشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورشت مانسر نسک و متن مانوی).

Avesta: āaṭ hē mraoṭ zaraθuštra آنگاه به او گفتم، ای زردشت،

azəm yō ahurō mazdā, من که اهوره مزدا هستم > :

vīsaṇha mē yima srīra vīuuaṇhana «آن من، آماده باش، ای جم زیبای متعلق به ویوهونت!

mərətō bərətaca daēnaiiāi, برای حفظ و پرورش دین

āaṭ mē aēm paitiiaoxta آنگاه به من پاسخ داد،

yimō srīrō zaraθuštra, جم زیبا، ای زردشت:

nōiṭ dātō ahmi nōiṭ cistō «آفریده نیستم، آموخته نیستم

mərətō bərətaca daēnaiiāi (V. 2/3). برای حفظ و پرورش دین».

Zand (V. 2/3): ēg ō awē guft, Zardušt, man kē Ohrmazd [hom], kū **padīrēd az man Jam ī nēk Wīwanghānān, ōšmurišn barišn ō dēn** [kū hērbedīh ud hāwištīh kunēd]. ēg-iš ō man passox guft Jam ī nēk, Zardušt, kū nē dādār hom, nē čāšīdār, ōšmurišn barišn ō dēn [kū-m hērbedīh ud hāwištīh nē tuwān kardan] (Anklesaria, 1949: 16).

آنگاه او را گفتم، ای زردشت، من که اورمزد [هستم]، که پذیرد از من جم نیک پسر

ویونگهان، آموزش و گسترش دین را [یعنی، هیربدی (= آموزگاری) و هاوشتی (= شاگردی)]

کند. آنگاه مرا پاسخ گفت جم نیک، ای زردشت، که نه دادر هستم، نه آموزش دهنده، آموزش و

گسترش دین را [یعنی هیربدی (= آموزگاری) و هاوشتی (= شاگردی)] کردن را نمی توانم.

آذرباد، گناه نافرمانی از اورمزد را به این نام های مهمان شده در این قطعه نسبت داده است،

در حالی که در گاهان، در بند ۱۲ هات ۴۳ یسنا، خود زردشت می گوید که از اورمزد نافرمانی

نکرده است. سبک نوشتاری آذرباد امیدان و ترکیب کردن بندهای اوستا به عنوان بند اصلی و

مهمان، و ترکیب کردن سه بخش گاهانیک، دادیگ و هادگ مانسریگ اوستا، متأسفانه گاهی

باعث شده است که گاهان نیز که اصلی ترین منبع دریافت پیام های زردشت است تغییر یابد. وی

مطالبی را خلق کرده است که نه به گاهان زردشت، نه به وندیداد، نه به یشت ها، نه به یسنا،

شباهت کامل ندارد و مطالبی متفاوت را بیان می کند.

۵. نتیجه

در این پژوهش اسطوره هایی که درباره فریدون در سودگرنسک، متن مانوی dr و ورشت-

مانسرنسک آمده بود مورد بررسی قرار گرفت و برخی از آنها با شاهنامه، گرشاسب نامه و کوش-

نامه تطبیق داده شد و بر اساس یافته ها، فرضیه پژوهش که اصیل نبودن برخی از اسطوره های

دینکرد و ساخته شدن آن به وسیله آذرباد امیدان بود، به اثبات رسید. آذرباد امیدان با ساخت

دینکرد از اوستا، اسطوره های جدیدی را خلق کرده است و این اسطوره ها را به نام های

شخصیت های متفاوت از اوستا نسبت داده است. بنابراین در هنگام ارجاع به این اسطوره ها و

بررسی آنها حتماً باید صورت اصلی هر قطعه از دینکرد در اوستا مشخص گردد تا آنچه اسطوره

اصیل و آنچه اسطوره خلق شده توسط آذرباد است روشن گردد. طبق بررسی های انجام شده

مشخص گردید که اسطوره «زدن و به بند کردن ضحاک توسط فریدون» در فرگرد بیستم

سودگرنسک، اسطوره‌ای اصیل است که در اوستا، شاهنامه، گرشاسب‌نامه و کوش‌نامه نیز آمده است. اسطوره «باریدن خرفستران (= جانوران زیانکار) از بدن ضحاک»، اسطوره خلق‌شده است که از بند مهمان‌شده از اوستا در این فرگرد ساخته شده است. اسطوره «رویاری فریدون با دیوان مازندر» در فرگرد بیستم سودگرنسک، اسطوره‌ای است که در مجمل‌التواریخ و القصص نیز ذکر شده است. اسطوره «استفاده از افسون و جادو توسط فریدون برای غلبه بر دیوان مازندر»، اسطوره خلق‌شده است که از بندهای مهمان‌شده اوستا در این فرگرد ساخته شده است. اسطوره «مبارزه فریدون بر علیه تب و بیماری»، و «افسون ضد تب» مربوط به شاه فریدون در متن مانوی dr اسطوره‌ای اصیل است و در اوستا نیز وجود دارد. اسطوره «دادن پیشنهاد رسالت دین توسط اورمزد به فریدون و نافرمانی کردن فریدون از اورمزد» در فرگرد سیزدهم ورشت-مانسرنسک، اسطوره خلق‌شده است و در اوستا وجود ندارد و به علت نوشتن نام فریدون به عنوان واژه مهمان‌شده، این اسطوره توسط آذرباد امیدان خلق شده است.

تعارض منافع

نویسندگان متعهد می‌شوند مقاله تعارض منافع ندارد. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است.

پی‌نوشت‌ها

۱. این واژه در متن این فرگرد از سودگرنسک به صورت تصحیف آمده بود و با توجه به اینکه در کوش‌نامه واژه «زبویان» آمده بود، در متن، حرف‌نویسی به صورت [z̥bwy'n] گرفته شد که در متن به جای حرف z، حرف d آمده و به جای حرف y، حرف S آمده است و آوانویسی به صورت zabūyān تصحیف شد. در کوش‌نامه در بخش «رفتن دستور از بیشه به کوه دماوند» آمده است که مغان کوه دماوند ویزی را که در دماوند بوده است، در آن روزگار «زبویان» می‌خواندند (ایران‌شان‌این‌ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۳۷۶).
۲. مصدر wānīdan «مغلوب کردن» برگرفته از صفت اوستایی aiβi.vaniiā «غالب، چیره» است که در بند ۳۴ یشت ۵، بند ۳۴ یشت ۱۷ و بند ۱۴ یشت ۹ عبارت ... yaθ bauuāni aiβi.vaniiā azīm dahākəm «که من چیره شوم بر آژی دهاک ...» (مولایی، ۱۳۹۲: الف: ۶۸) برای فریدون آمده است. مصدر zadan «زدن»، برگرفته از فعل اوستایی janaθ «زد» در بند ۸ هات نهم یسنا — که در بند ۷ همین یشت آمده است که زاده شدن فریدون پاداش و آیتی بوده است که به پدرش آبتین برای فشردن هوم داده شده است — و بند ۴۰ یشت ۱۴ — که در بند ۳۹ همین یشت آمده که فریدون پیروزی اورمزد را به همراه دارد — و بند ۳۷ یشت ۱۹ — که در بند ۳۶ همین یشت آمده که فریدون به سبب فر کبانی پیروزمندترین بوده است — در عبارت ... yō janaθ azīm dahākəm «که زد آژی دهاک ... را» است و در زند بند ۴۰ یشت ۱۴ به صورت ... kē-š zad az ī dahāg ī «که زد آژی دهاک ... را» (Dhabhar, 1927: 132) آمده است، که در آن به زدن ضحاک توسط فریدون اشاره شده است.
۳. واژه wazr ترجمه پهلوی واژه اوستایی vāzra- است که ۱۰ بار در اوستا آمده است، که گاهی گرز ایزد مهر است (Bartholomae, 1961: 1392). واژه wazr «گرز» در اینجا برگرفته از عبارت اوستایی vāzrəm srīrəm huniuuixtəm satafštānəm satō.dārəm frauuaēyōm vīrō.niiañcim zarōiš aiañhō frahixtəm amauuatō zaraniiehe amauuastēməm zaiianəm vərəθrauuaastēməm zaiianəm «گرز زیبای خوب‌چرخنده صدگره، صدتیغه، به جلوچرخنده مردافکن، به آهن زرد طلایی آهخته‌شده، نیرومندترین زین‌افزارها، دلیرانه‌ترین زین‌افزارها» است که در بند ۹۶ و ۱۳۲ یشت ۱۰، برای ایزد مهر ذکر شده است و همچنین عبارت اوستایی vāzrəm huniuuixtəm «گرز خوب‌چرخنده» در بند ۵ یشت ۵ که گرز ایزد مهر است. صورت زند واژه اوستایی vāzra- به صورت wazr است که در زند بند ۱۸ یشت ۱، (Dhabhar, 1927: 95) و در زندهای ۳۰ و ۳۶ فرگرد ۱۸ وندیداد آمده است (Anklesaria, 1949: 357, 359).
- واژه šafšēr «شمشیر» برگرفته از عبارت اوستایی hazarəm karətanəm vaiiō.dāranəm hukərətanəm «هزار شمشیر دولبه نیک‌ساخته‌شده» است که در بند ۱۳۱ یشت ۱۰ زین‌افزار ایزد مهر است. صورت زند واژه اوستایی karəta- در زند بند ۱۸ یشت ۱ به صورت kārđ «کارد، شمشیر» و تفسیر آن به صورت šafšēr «شمشیر» آمده است (Dhabhar, 1927: 95). و در زند بند نهم فرگرد چهاردهم وندیداد به صورت kārđ «کارد،

۱۴۷ فریدون، دارندهٔ سه نیرو، پهلوان بود یا پزشکی یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورشت مانسر نسک و متن مانوی. شمشیر» و تفسیر آن به صورت čiyōn šafšēr «چون شمشیر» آمده است (Anklesaria, 1949: 302). واژهٔ band برگرفته از عبارت kū-š az **band** nē hilēd «یعنی آن را از بندِ رها نکنند» در تفسیر زند بند ۱ فرگرد ۲۰ و نینداید است (Anklesaria, 1949: 391)، که این بند دربارهٔ فریدون است. پس فریدون برای غلبه بر ضحاک از سه زین‌افزار استفاده کرده است.

۴. gaz «مار» ترجمهٔ فارسی میانهٔ واژهٔ اوستایی ažay-/aži- «مار، اژدها» (Bartholomae, 1961: 266) udarā «اژدها» صورت زند واژهٔ اوستایی udarō.9raša- صفت به معنی «بر شکم خزنده» (Bartholomae, 1961: 387) karbūg/karbunag صورت زند واژهٔ اوستایی kasyapa- «کاسه‌پشت، لاک‌پشت» (Bartholomae, 1961: 460) wazay- صورت زند واژهٔ اوستایی wazaŋa- «وزغ، قورباغه» (Bartholomae, 1961: 1389) است که همهٔ این نام‌ها در بند ۵ فرگرد ۱۴ و نینداید ذکر شده‌اند و از آن به صورت مهمان در این قطعه نوشته شده‌اند.



تصویر ۱. محل قرارگیری هفت کشور زمین در ایران باستان

ع این قطعه از دینکرد تصحیح گردید، زیرا هر دو عبارت باید مانند هم ساخته شده باشند که در آن صفتها با کسره اضافه به هم مربوط شده‌اند و صفتها باید تصحیح می‌شد:

hamāg sard ī zamestānān-⁺dahišn ī burrāg ī tēz. عبارت همه سرد است زمینان-داهیشن بزرگ است تیز. خوانده شد.

⁺hamāg ⁺tāft ī ⁺ataxšān-dahišn ī burrāg ī tēz. عبارت به هم ایاختن داهیشن بزرگ است. خوانده شد.

۷. عبارت $\text{ne-z}^+ \text{ne-š}^+ \text{sraw}^+ \text{andar}$ تصحیح شد و به صورت $\text{ne-z}^+ \text{ne-š}^+ \text{sraw}^+ \text{andar}$ خوانده شد.

۸. در مقدمه شاهنامه ابومنصوری آمده است: «شام و یمن را مازندران خواندند و عراق و کوهستان را سورستان خواندند و ایرانشهر را از روژ آموی است تا روژ مصر، و این کشورهای دیگر پیرامون اویند و از این هفت کشور، ایرانشهر بزرگوارتر است به هر هنری و آن کی از سوی بایختر است، چنینان دارند و آن کی از سوی راست اوست هندوان دارند و آن کی از سوی چپ اوست تُرکان دارند و دیگر خزرران دارند و آن کی راستر بربریان دارند و از چپ روم، خاوریان دارند و مازندرانان دارند، و مصر گویند از مازندران است. این دگر همه ایران زمین است. از بهر آن که، ایران بیشتر این است که، یاذ کردیم» (رضازاده ملک، ۱۳۸۳).

۹. عبارت *sard ī zamestānān* مربوط به این فرگرد است و برگرفته از بند اصلی، یعنی بند ۱۲ هات ۵۱ (Vohuxšaθrā Hāiti) است و از عبارت *aodərəθcā zōišənū* «سرمای لرزاننده» که در زند به صورت *sard ī bazag-ēwēn* [zamestān] «زمستان» برگرفته شده است. (Dhabhar, 1949: 225-226) آمده است، برگرفته شده است.

عبارت *sag ī kadag-masāy* «سنگ به بزرگی کده» تنها به دو بند از اوستا مربوط است که معجزه زردشت را در هنگام مبارزه در برابر اهریمن نشان می‌دهد و از این دو بند برگرفته شده است و در این قطعه به همان نوشته شده است. در بند ۴ فرگرد ۱۹ وندیداد عبارت

asānō zasta dražimnō **katō.masaghō** hēnti ašauua zaraθuštō vīndəmnō daθušō ahurāi mazdāi «**سنگ‌هایی** را در دست می‌چرخاند، **به بزرگی گده** که از آفریننده اهورمزدا، زردشت پرهیزگار به دست آورد» که در زند این بند عبارت [u-š] **sag** pad dast ī **kadag-masāy** būd ahlaw Zardušt [sag ī sagin. ast kē mēnōg yaθā ahu vairyō gōwēd] kē-š windīd az dādār Ohrmazd. (Anklesaria 1949: 392)

«و او را [سنگ در دست به بزرگی گده بود، زردشت پرهیزگار [سنگ سنگین، است که مینوی یثا اهو وتیریو گوید] که آن را از آفریدگار اورمزد به دست آورد.» آمده است و در بند ۲۰ پشت ۱۷، در عبارت

jaiṇti maṃ ahuna vairiia auuauuata snaiṇiṣa yaṇa **asma katō.masā** «او مرا می‌زند با (دعای) اهون وئیریه، سلاحی نیرومند، چنان **سنگی به بزرگی خانه‌ای**» آمده است (بنگرید به Bartholomae, 1961: 434 ذیل katō.masah). در اوستا به ریختن چیزی از بینی و واژه vaēnā- «بینی»، تنها در بند ۱۱ هات نهم یسنا و بند ۴۰ یشت ۱۹ اشاره شده است. در تفسیر زند بند ۱۱ هات نهم یسنا به صورت

hād ēn ān ī-š pad kamāl ul šud xšuuāēpaiia vaēnaiia barəšna ān ī-š pad zafar bē ōbast. «یعنی این: آن که به سر اهریمنی‌اش بالا رفت «بر روی پشت، بر بینی، به بالا» آن <زهر> از پوزه‌اش بیرون افتاد» (Dhabhar, 1949: 60-61) و در بند ۴۰ یشت ۱۹ در عبارت yim upairi vīš araodaṭ xšuuāēpaiia vaēnaiia barəšna «که جریان پیدا کرد زهر بر روی پشت، بر بینی، به بالا» آمده است. این دو بند مربوط به فریدون نیست و مربوط به کُشتن اژدهای شاخدار توسط گرشاسب است؛ اما آذرباد از این بندها و واژه‌های آن به صورت مهمان در این قطعه استفاده کرده است (بنگرید به Bartholomae, 1961: 1325 ذیل vaēnā-). عبارت burrag ī tēz «بُرندۀ تیز» صورتِ زندهٔ صفت اوستایی brōiṇrō.taēza- «با لبۀ تیز بُرنده» است که صفت برای زین‌افزار مهرایزد است که در بند ۱۳۰ یشت ۱۰ آمده است. همچنین این صفت در بند ۳۱ هات ۵۷ یسنا و بند ۱۴ فرگرد ۱۸ وندیداد به عنوان صفت برای زین‌افزار سروش‌ایزد آمده است (بنگرید به Bartholomae, 1961: 973 ذیل brōiṇrō.taēza-). Dhabhar, 1949: 247. واژه dašn «راست» و hōy «چپ» برگرفته از بند ۱۲۶ یشت ۱۰ از واژه‌های hāuuōiia و dašinam است. عبارت snāxr padīd hēnd «برف‌ها» افتادند» ترجمۀ فارسی میانهٔ فعل اوستایی snaēzīntaēca «برف می‌بارند» در بند ۱۲۰ یشت ۵ (آبان یشت) است (بنگرید به Bartholomae, 1961: 1626 ذیل snaēg-) و از این بند اوستا به عنوان مهمان در این قطعه از دینکرد نوشته شده است.

۱۰. ساخت اسطوره توسط آذرباد که یک موبد بوده است، رخداد جدیدی نیست؛ زیرا به غیر از گاهان که کلام الهام‌شدهٔ اهوره‌مزدا به زردشت است، بخش‌های دیگر اوستا چون یشت‌ها، وندیداد و ... توسط مغان سروده شده‌اند و اسطوره‌های موجود در آنها نیز سرودهٔ مغان است.

۱۱. گواه این مطلب، این است که وی می‌خواسته ممدوح خود را برتر از هر شاه ایران به تصویر بکشد تا شاه از او خشنود گردد:

ز گاه کیومرث تا گاه ما	نبوده‌ست برتر کس از شاه ما
ز روین دژم چند رانی سخن؟	که گشت آن سخن باستانی کهن
پرستندۀ تخت این شهریار ...	به مردی فزون است به اسفندیار ...
ز بيمش بدرک دل شیر جنگ	ز دادش ننازد به ماهی نهنگ
دو چندان که شاهان روی زمین	کشیدند صف پیش جویای کین
بدین اندکی سال خسرو کشید	که روزی، شکن بر سپاهش ندید
ملکشاه را چشم روشن شود	چو شاه جوان زیر جوشن شود
بنازد دل و جان بنازد همی ...	به میدان چو شاه اسب تازد همی ...
شنیدی که بر لشکر تازیان	چه آمد ز کردار خسرو زیان
اگر بازگویم یکی دفتر است	و لیکن مرا رای از این دیگر است

(ایران‌شنان بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۱۵۴-۱۵۵)

۱۲. ترتیب زمانی برای آوردن اسطورهٔ فریدون و جنگ مازندران در کتاب‌ها چنین است: نخست آذرباد امیدان در کتاب دینکرد، وی همزمان معتمد عباسی (۲۵۶-۲۷۹ هـ ق) بوده است و تألیف کتاب وی مربوط به سدهٔ سوم هجری است. دوم مسعودی مروزی که شاعر اواخر سدهٔ سوم و اوایل سدهٔ چهارم هجری است. شاهنامه مسعودی آن‌گونه که از نوشتهٔ مقدسی برمی‌آید باید در حوالی سال سیصد هجری قمری سروده باشد (صفا، ۱۳۳۳: ۱۶۰ و ۱۶۲). سوم ایران‌شنان بن ابی‌الخیر در دوران سلطنت ممدوح خود، محمد بن ملک‌شاه، یعنی سال‌های ۴۹۸-۵۱۱ هـ ق. و چهارم مجمل‌التواریخ و القصص که تألیف آن در سال ۵۲۰ هـ ق یا اندکی بعدتر است.

۱۳. در صفحهٔ ۵ مقدمهٔ مجمل‌التواریخ و القصص آمده است که نویسندهٔ این کتاب از قصهٔ کوش پیل‌دندان در نوشتن کتاب خود استفاده کرده است (مجلهٔ التواریخ و القصص، تصحیح بهار، ۱۳۸۴: مقدمه ۵). پیداست وی اصل قصهٔ کوش پیل‌دندان را در دست داشته است.

۱۴. این واژه در متن سودگرنسک با املای **دگ** می‌تواند هم sag «سنگ» خوانده شود، هم dīg «دیگ» خوانده شود. بنابراین با توجه به کوش‌نامه به صورت dīg «دیگ» خوانده شد.

۱۵. اسطورهٔ جنگیدن با دیوان مازندر در اوستا به هوشنگ پیشدادی تعلق دارد و آذرباد امیدان در این قطعه از فرگرد، از بندهایی از اوستا که به هوشنگ اشاره دارد استفاده کرده است و آنها را به فریدون نسبت داده است. در بند ۲۲ از یشت ۵، بند ۱۳۷ از یشت ۱۳ و بند ۴ از یشت ۹ به اسطورهٔ مبارزهٔ هوشنگ پیشدادی با دیوان مازنی (= بزرگ) اشاره شده است (بنگرید به Bartholomae, 1961: 1169 ذیل māzainya-). آذرباد امیدان از قسمتی از بند ۲۲ یشت ۵ (آبان یشت) و بند ۲۶ یشت ۱۹ (زامیاد یشت) در ساخت این قطعه بهره برده است. عبارت

۱۴۹ فریدون، دارنده سه نیرو، پهلوان بود یا پزشک یا پیامبر؟ (براساس سه متن سودگرنسک، ورشت مانسر نسک و متن مانوی.

u-š ēdōn be zad hēnd pērōzgar ī tagīg Frēdōn, dō srišwādag ān ī māzandar deh yaða azəm nijanāni duua Ƴrišuuā māzaniianam daēuuanaŋm
yō janaŋ duua Ƴrišuuā māzainiianam
daēuuanaŋm «که زد (= کُشت) دو سوم از دیوان مازنی (= دیوان بزرگ) را» در بند ۲۶ از یشت ۱۹ است. عبارت
pad panjāh Ƴanišnīh ud sad Ƴanišnīh ud hazār Ƴanišnīh ud bēwar Ƴanišnīh ud amar Ƴanišnīh
برگرفته از عبارت

... pañcasaynāi sataynāišca sataynāi hazaŋraynāišca hazaŋraynāi baēuuarəynāišca
baēuuarəynāi ahaṣṣtaynāišca

«... با کشتار صد تن به جای پنجاه تن، و با کشتار هزار تن به جای صد تن، و با کشتار ده هزار تن به جای هزار تن، و با کشتار صدهزار تن به جای ده هزار تن» (مولایی، ۱۳۹۲: ۸۵) در بند ۵۴ یشت ۵ است که به صورت مهمان در این قطعه نوشته شده است. اما این بند مربوط به فریدون نیست و به توس اشاره دارد که مردمان تورانی را می‌کشد.

۱۶. tabar «تبر» در بند ۱۳۰ یشت ۱۰ به صورت hazaŋrēm cakušanam haosafnaēnam bitaēyanam
hukərətanam «هزار تبر دوتیغه فولادی نیک‌ساخته» آمده است. šafšēr در قسمت پیشین مقاله آورده شد که در کدام بند از مهر یشت قرار دارد. سومین سلاح فولادی او čilān «خنجر» در بند ۱۳۰ یشت ۱۰ به صورت hazaŋrēm arštinam
hukərətanam «هزار خنجر تیزتیغه نیک‌ساخته» آمده است. در این متن، تازیانه سخن گفتن و شنیدن فرشتگان، اضافه تشبیهی است و سخن گفتن و شنیدن فرشتگان به تازیانه تشبیه شده است، از لحاظ ضربه‌زنندگی به گناهکاران.

۱۷. در اوستا چهار بار نام Ƴrita- ذکر شده است: بار نخست به صورت Ƴritō sāmanam در بند ۱۰ یسن ۹ آمده است که ثریت پسر سام است. بار دوم به صورت Ƴritō به تنهایی در بند ۲ فرگرد ۲۰ وندیداد آمده است که فریدون است. نام Ƴrita- در اینجا همان Ƴraētaona āθβiia است، زیرا همتای ودایی آن Trita Āptya (Bartholomae, 1961: 799-800) است. نام Trita تنها یک بار در ریگ‌ودا (1. 158/5) به صورت Traitānā آمده است که معادل صورت اوستایی Ƴraētaona است و در جای دیگر با صورت Trita آمده است که نام پدر او Āptyā است. در این بند از وندیداد برای این نام صورت Ƴrita- به جای Trita ودایی آمده است که همان Ƴraētaona اوستایی است. بار سوم در اوستا، نام Ƴrita- به صورت Ƴritahe sāiiuždrōiš در بند ۱۱۳ یشت ۱۳ و بار چهارم به صورت Ƴritasca sāiiuždrōiš در بند ۷۲ یشت ۵ آمده است که هر دو به معنی ثریت پسر سایوژدری (= سپرزد) است (برای مشاهده نام‌ها بنگرید به Bartholomae, 1961: 807 ذیل Ƴrita).

۱۸. عبارت kū-m nimūd dēn ō Jam ī hu-ramag
u-m nimūd ō rōšn ī buland Frēdōn, u-m nimūd ō Kay Arš. u-m nimūd ō +Sāmān Karsāsp
ساخته شده توسط آذرباد أمیدان است و این نام‌ها را از فروردین یشت به عنوان مهمان در این قطعه نوشته است. نام Frēdōn برگرفته از بند ۱۳۱ یشت ۱۳ از Ƴraētaona اوستایی، نام Kay Arš برگرفته از بند ۱۳۲ یشت ۱۳ از kauuay- aršan و نام +Sāmān Karsāsp برگرفته از بند ۱۳۶ یشت ۱۳ از sāmahe kərəsāspa اوستایی است. عبارت
u-šān nē padīruft az stahmagīh ī druz ī a-niyōšidārīh ī-šān abar mehmān būd. ud ēn-iz kū āgāh būd hom kū rawāg nē bawēd pēš az ān tā ka ō man rasēd Srōš-ahlā Wištāsp kē-š abāg ān ī meh +rad Zarduxšt

را آذرباد أمیدان با ترکیب کردن بند سوم فرگرد دوم وندیداد و بند دوازدهم هات ۴۳ یسنا ساخته است.

منابع

اسدی توسی، ابونصر علی بن احمد (۱۳۸۹). گرشاسب‌نامه. به اهتمام حبیب یغمایی. چاپ دوم. تهران: دنیای کتاب.

ایرانشان‌بن ابی‌الخیر (۱۳۷۷). کوش‌نامه. به کوشش جلال متینی. چاپ نخست. تهران: انتشارات علمی.
تفضلی، احمد (۱۳۹۷). تصحیح و ترجمه سوتگرنسک و ورشت‌مانسرنسک از دینکرد ۹، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

خرده اوستا (۱۳۰۶). افسون شاه فریدون. ص. ۳۰۶. بی‌نا.

رضازاده‌ملک، رحیم (۱۳۸۳). دیباجه شاهنامه ابومنصوری. فصلنامه نامه انجمن، شماره ۱۳، ۱۲۱-۱۶۶.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۳۳). حماسه‌سرایی در ایران. تهران: امیرکبیر.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۱). شاهنامه فردوسی. بر اساس چاپ نسخه مسکو. تهران: بیهق کتاب.

گشتاسبی اردکانی، پورچیستا (۱۳۹۹). سودگرنامه: سودگرنسک از کتاب نهم دینکرد، چاپ نخست، تهران: روزآمد.
مجمل‌التواریخ و القصص. تصحیح ملک‌الشعراى بهار. (۱۳۸۴). منتشرشده در تارنمای www.TarikhBook.ir

مجله‌التواریخ و القصص. تصحیح و تحقیق اکبر نحوی. (۱۴۰۰). چ ۲. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن.

مرادی مختارخانلو، مینا (۱۳۹۰). فریدون در متون اوستایی، پهلوی و شاهنامه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی گلنار قلعه‌خانی. شیراز: دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مولایی، چنگیز (۱۳۸۸). معنی نام فریدون و ارتباط آن با سه نیروی او در سنت‌های اساطیری و حماسی ایران. جستارهای نوین ادبی ۴۲ (۴): ۱۵۱-۱۷۵.

مولایی، چنگیز (۱۳۹۲الف). آبان یشت (سرود اوستایی در ستایش اردوی‌سور آناهید)، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

مولایی، چنگیز (۱۳۹۲ب). بررسی فروردین یشت (سرود اوستایی در ستایش فروهرها)، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.

Anklesaria, B. T. (1946). Pahlavi Vendidad (Zand- i Jvît-Dêv-Dât). Transliteration and Translation in English, Bombay.

Bartholomae, Ch. (1961). Altiranisches Wörterbuch, Zusammen mit den Nacharbeiten und Vorarbeiten. Strassburg: Karl J. Trubner, 1904, reper. Berlin-NewYork, Walter de Gruyter.

Benedek, Thomas G. (2004). The History of Gold Theraphy for Tuberculosis, Journal of the History of Medicine and Allied Sciences, 59 (1): 50-89.

Boyce, M. (1975b). A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian. Acta Iranica 9, Tehran-Liège: Bibliothèque Pahlavi. <https://doi.org/10.1163/9789004671041>

Dhabhar, B. N. (1949). Pahlavi Yasna and Visperad. Bombay: Shahnamah Press.

Dhabhar, B. N. (1927). Zand-I Khürtak Avistāk, Bombay: The Trustees of the Parsee Panchayet Funds and Properties.

Geldner, K.F. (1889). Avesta The Sacred Books of The Parsis. Stuttgart.

Goshtasbi Ardakany, P. (2024). "Facts about the Dēnkard" along with "The Review of the Yasna Haptañhāiti from the Waršt-Mānsar Nask and Bay Nask from the 9th Book of Dēnkard". Asian Culture and History. Published by Canadian Center of Science and Education 17 (1) (November 2024), 1-34. <https://doi.org/10.5539/ach.v17n1p1>

Humbach, H. & Ichaporia, P. (1994), The Heritage of Zarathushtra, A New Translation of His Gāthās. Heidelberg: Carl Winter. Universitätsverlag.

Madan, D. M. (1911). Pahlavi Dinkard Part II. Bombay: The Society for the promotion of researches into the Zoroastrian religion.

MacKenzie, D. N. (1986). A Concise Pahlavi Dictionary. London: Oxford University Press.

Molé, M. (1963). Culte, mythe et cosmologie dans l'Iran ancien: Le problème zoroastrien et la tradition mazdéene. Paris: Presses universitaires de France.

Pakzad, Fazlollah, the corrector and translator. (2005). Bundahišn. Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopaedia.

Sztandera, K., Gorzkiewicz, M. and Klajnert-Maculewicz (2019). "Gold Nanoparticles in Cancer Treatment", Molecular Pharmaceutics. 16 (1): 1-23.

Vevaina, Y. S. (2023). The "Sudgar Nask" of "Denkard" Book 9: Text, Translation and Critical Apparatus. Harrassowitz Verlag.